

<http://sadeghain.net/fa/Article/View/۹۲/%D۸%BA%DB%AC%D۸%B۱%D۸%AA-%D۹%۸۸-%D۹%۸۵%D۸%B۱%D۸%AF%D۸%A۷%D۹%۸۶%DA%AF%DB%AC>

## مقاله (fa/Article/List/) غیرت و مردانگی



(Image/Article/Javanmardi\jpg/)

غیرت دارای معنای عام و گسترده‌ای است؛ مانند غیرت در حفظ اموال، حفظ ناموس، حفظ حیثیت، حفظ استقلال وطن، و حفظ دین. ولی غالباً در حفظ حریم عفت و ناموس به کار میرود. البته باید توجه داشت همانطور که بیخیرتی رفتاری نابهنجار است، غیرت بیجا نیز یک واکنش ناسالم بوده و ریشه در «بدگمانی» دارد، لذا به تهمت جنسی و در نهایت به کج روی و انحراف منجر می‌گردد و در نتیجه آسیبهای اجتماعی و فردی بیشماری رابه دنبال خواهد داشت؛ لذا در اسلام همان‌طور که غیرت به جا مورد مدح قرار گرفته، غیرت بیجا مذموم و مورد نهی است؛ مفهوم غیرت با مفاهیمی از قبیل سوء ظن، بددلی، وامثال این مفایم متفاوت بود و نمیتوان هرگونه رفتار محافظت‌گرانه نسبت به ناموس را غیرت نامید. به عنوان نمونه غیرت در موارد حلال و همچنین غیرت بیدلیل داخل در مفاهیمی همچون سوءظن و بددلی هستند. غیرت آثار و فوائد سودمندی در ارتقا و تعالی زندگی شخصی و اجتماعی افراد دارد تا جاییکه نسل سالم، ایمان کامل، امنیت و مدیریت صحیح خانواده، همه و همه در سایه صفت حسنه غیرت حاصل می‌شوند. اما در این میان برخی از عوامل، باعث سلب این صفت نیکو و انسانی می‌شوند که مهمترین این عوامل عبارتند از: حرام خواری، غنا و خود کم بینی. در حقیقت خصلت غیرت همچون یک پلیس مخفی هشیار و بیدار در روح و روان انسان، مراقب مرزها، حدود و خط قرمز هاست و انسان را به نظارت قاطع در این راستا وا میدارد تا به پاسداری و نگهبانی از حریمها پردازد.

31

تاریخ انتشار : ۱۳۹۵/۲/۱۸



بازدید : ۱۳۷۱۰

منبع : مجمع جهانی صادقیین / گردآورنده: صالح احمدی ,

کلید واژه: غیرت، ناموس، آبرو، سوء ظن، تعصب، حیثیت.

## مفهوم و منشأ غیرت

واژه غیرت عموماً به معنای محافظت از عصمت، آبرو، ناموس و حفظ عزّت و شرف به کار می‌رود. اساتید اخلاق نیز غیرت را تلاش در نگهداری آنچه که حفظش ضروری است تعریف کرده اند. این صفت از شجاعت، بزرگ منشی و قوت نفس انسان سرچشمه می‌گیرد. [۱] «غیرت» به معنای رشک و حسد مردانه نیز به کار رفته است. به عنوان نمونه آنجا که حافظ می‌گوید:

پیراهنی که آید از او بوی یوسفم ترسم برادران غیورش قبا کنند

منظور از غیور، مفهوم مثبت آن به معنای غیرتمند نیست، بلکه منظور حسود بودن برادران حضرت یوسف است.

یا در جای دیگر مولوی می‌گوید:

دشمنان او را ز غیرت میدردند دوستان هم روزگارش میبردند

در اینجا نیز منظور از غیرت، حسادت است و کلمه غیرت در این شعر مفهوم منفی دارد.

## انواع غیرت

غیرت به جهت گستردگی مفهومی، دارای انواع و اقسام بسیاری می‌باشد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

۱. غیرت دینی: منظور از «غیرت دینی» این است که انسان در برابر تخلفاتی که از مسیر حق و عدالت و احکام الهی مشهود، خاموش ننشیند و بتفاوت از کنار آنها نگذرد؛ بلکه تخلف هر چه شدیدتر باشد جوش و خروش او بیشتر گردد. کسانی که خونسرد و بی رمق از مقابل این امور می‌گذرند فاقد غیرت دینی هستند.

قرآن مجید درباره بعضی از جنگجویان با ایمان که فاقد وسائل لازم برای شرکت در میدان جنگ بودند می‌فرماید: (وَ لَاعَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا اتَّوَكَّ لَتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَأَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَاَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ): [۲] و همچنین ایرادی نیست بر کسانی که چون پیش تو آمدند تا مرکبشان دهی، و تو گفستی چیزی نداری که شما را بر آن سوار کنم، و ایشان با دیدگانی پر از اشک برگشتند که چرا چیزی برای خرج کردن نمی‌یابند.

در نهج البلاغه نیز به یکی از مظاهر غیرت که در بالاترین حدّ قرار دارد اشاره شده است. حضرت می‌فرماید: «اگر مسلمانی، به خاطر این حادثه [۳] بسیار دردناک از شدت تأسّف بمیرد، جای سرزنش ندارد، بلکه به نظر من سزاوار است». [۴] غیرت دینی عامل بسیار مهمی برای دفاع از حریم قوانین اسلام و احیای معروف و از میان بردن منکر است. پس میتوان گفت: منظور از غیرت دینی، این است که انسان مسلمان نسبت به کیان اسلام و مسائل مربوط به آن حسّاس باشد، با تمام توان در اثبات و اجرای آن بکوشد و از کوچکترین خدشه و تعرضی نسبت به آن جلوگیری کند. بر این اساس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، سفارش به حق و صبر، تعلیم و تعلم و... میتواند در راستای غیرت دینی قرار گیرد.

## حکایت: غیرت پیامبرصل الله علیه و آله نسبت به احکام الهی

پس از فتح مکه، پیامبر صل الله علیه و آله مسلمانان را برای بیعت مجدد فرا خواند، و بانوان را نیز با شرایطی به بیعت کردن امر کرد، ام حکیم از پیامبرصل الله علیه و آله پرسید: ما چگونه با تو بیعت کنیم؟ پیامبر صل الله علیه و آله فرمود: «من با زنان مصافحه نمی کنم»؛ آنگاه فرمود ظرفی [مانند تشت] را حاضر نمودند، آن را پر از آب کردند، پیامبر صل الله علیه و آله، دستش را میان آن آب برد و بیرون آورد. سپس به زنان فرمود: دست خود را در میان این آب داخل کنید و خارج سازید و همینکار نشان دهنده بیعت شماست. [۵]

۱. غیرت ملی: مراد از «غیرت ملی» احساس مسؤولیت در برابر تمامیت ارضی کشور اسلامی، دلسوزی و حمایت از عزت و شرف مسلمانان است که به شکلی با «غیرت دینی» و «غیرت ناموسی» نیز پیوند دارد.

ناگفته مشخص است که «ملی گرایی» به معنای امروزی از نظر اسلام محکوم و نامعقول است؛ ولی وطن دوستی و مشارکت در دفاع از میهن و هممیهنان مسئله‌های است که با سرشت انسانی عجین و از سوی اسلام نیز به رسمیت شناخته شده است، و این روایت شریف نیز گواه بر این مسئله میباشد که پیامبر اکرم صل الله علیه و آله فرمود: «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ؛ دوست داشتن وطن از نشانه‌های ایمان است». [۶]

امام خمینی؛ نیز در اینباره میفرماید: «اگر دشمنی به کشور اسلامی یا مرزهای آن حمله کند و اسلام و جامعه اسلامی مورد خطر قرارگیرد، بر مسلمانان واجب است که به هر وسیله ممکن و با بذل جان و مال از آن دفاع کنند». [۷]

۱. غیرت ناموسی: حمایت و حفاظت از ناموس، ارتباطی تنگاتنگ با شرف و مردانگی شخص مسلمان دارد. اسلام تأکید دارد که از ناموس خود و هم کیشانتان در برابر هرگونه گزند داخلی و خارجی به شدت دفاع کنید و کمترین مسامحه‌ای از خود بروز ندهید لذا در روایات اسلامی در اینباره نکاتی مطرح شده است از جمله اینکه غافل از ناموس مورد لعنت است آری غیرت از چنان جایگاه عظیمی برخوردار است که در روایات کسی که غیرت ندارد، مورد لعنت واقع شده است. در همین راستا امام رضا ۷ میفرماید: «خدواند مردی که نسبت به همسر خود غیرت و توجه ندارد را لعن فرموده است». [۸] همچنین میتوان به هشدار امیرالمؤمنان علی در این زمینه اشاره نمود که فرمودند: «ای مردم عراق با خبر شده‌ام که زنان شما در کوچها به مردان تنه میزنند آیا حیا نمیکنید؟». [۹] و دیگر اینکه بیغیرت دور از رحمت الهی است چرا که در اسلام عملی که علاوه بر خود فرد به دیگری نیز ضربه میزند دارای عقوبت شدیدتری میباشد از همین رو امام صادق ۷ در این زمینه میفرماید: «سه گروه هستند که در قیامت از رحمت الهی به دور هستند که یکی از آنها بیغیرت نسبت به ناموس است». [۱۰]

## حکایت: غیرت و توجه به ناموس

شیخ بهاء الدین عاملی در یکی از کتابهای خود مینویسد: روزی زنی نزد قاضی شکایت کرد که پانصد مثقال طلا از شوهرم طلبدارم و او به من نمیدهد. قاضی شوهر را احضار کرد و او طلب خود را انکار نمود یا فراموش کرده بود. قاضی از زن پرسید: آیا برگفته خود شاهدهی داری؟ زن گفت: آری، آن دو

مرد شاهدند. قاضی از گواهان پرسید: گواهی دهید زنی که مقابل شماست پانصد مثقال از شوهرش که این مرد است طلب دارد و او نپرداخته است. گواهان گفتند: سزاست این زن نقاب مقابل صورت خود را عقب بزند تا ما لحظهای وی را درست بشناسیم که او همان زن است، تا آنگاه گواهی دهیم.

چون این زن سخن را شنید بر خود لرزید و شوهرش فریاد برآورد شما چه گفتید؟ برای پانصد مثقال طلا، همسر من چهره‌اش را به شما نشان دهد؟! هرگز! من پانصد مثقال خواهم داد و رضایت نمی‌دهم که چهره همسر در حضور دو مرد بیگانه نمایان شود. چون زن آن جوانمردی و غیرت را از شوهر خود مشاهده کرد از شکایت خود چشم پوشید و آن مبلغ را به شوهر بخشید.<sup>[۱۱]</sup>

## اقسام غیرت ناموسی

غیرت ناموسی دارای دو قسم است:

\* غیرت حسنه: غیرت خوب و زیباییکه مرد با داشتن آن اهلش را اصلاح میکند. اینگونه غیرت باعث اصلاح ناموس از بدحجابی و لأبالیگریها شده و لازمه زندگی هر مردی است.

حکایت: غیرت مثال زدنی پیامبر صل الله علیه و آله

در عصر پیامبر صل الله علیه و آله در مدینه دو نفر به نامهای هیت و ماتح از افراد هوسباز بودند و همواره با گفتار زشت و خلاف عفت، مردم را میخندانند. روزی پیامبر صل الله علیه و آله از آنها عبور میکرد. شنید به یکی از مسلمانان میگفتند: «وقتی که به شهر طائف حمله کردید و آنجا را فتح نمودید، در کمین دختر غیلان ثقفی باشید، او را اسیر کرده و برای خود نگهدارید، چرا که او زنی چنین و چنان... است»؛ سخن آنها به غیرت پیامبر صل الله علیه و آله برخورد، به طوری که به آنها اعتراض شدید نمود و سپس آنها را از مدینه به سرزمین «غرابا» تبعید کرد و آنها فقط حق داشتند در طول هفته، تنها روزهای جمعه برای خرید غذا و لوازم زندگی به مدینه بیایند.<sup>[۱۲]</sup>

\* غیرت غیر حسنه: نوع دوم غیرت ناموسی طبق فرمایش امیرالمؤمنان علی علیه السلام غیرتی است که باعث داخل شدن به جهنم میشود و آن همان غیرت افراطی در این زمینه میباشد. در چنین مواقعی است که مرد با مشاهده اینکه زنش حتی با محارم خود چون برادر، عمو، دایی و ... هم صحبت شود، گمان بد دارد و وی را متهم میکند که این بدترین نوع غیرت است.<sup>[۱۳]</sup>

تفاوتهای غیرت حسنه با غیرت غیر حسنه

تمام دستورات اسلام بر اساس اعتدال و حفظ تعادل فرد، خانواده و اجتماع صادر گردیده است. اسلام در عین اینکه غیرت را جزء ایمان می‌داند و بی‌غیرتی را نکوهش می‌نماید، بدگمانی و بددلی را نیز مذموم دانسته و پیروانش را به دوری از این عمل دعوت می‌کند. پژوهش‌های گسترده و عمیقی برای مرزبندی دقیق میان غیرت و بددلی [غیرت غیر حسنه] باید صورت گیرد تا به عنوان فرمولی لازم الاجرا تبدیل شود. لذا برخی از موارد مرز بندی میان غیرت و بددلی [غیرت غیر حسنه] عبارتند از:

۱. سوء ظن: یکی از مهمترین مرزهای غیرت و بددلی، بدگمانی و قضاوت بر اساس سوء ظن‌ها است. غیرت بی‌جا که بر اساس بددلی است یک واکنش نامتعادل به رفتار همسر است که ریشه در بدگمانی دارد و در نهایت منجر به تهمت زدن می‌شود؛ چرا که دلیلی بر

اینکه ناموس فرد واقعاً این کار را کرده باشد وجود ندارد و فرد بر اساس گمان خود به او تهمت می‌زند. این عمل نزد خداوند بزرگ، عملی بسیار زشت و گناهی بزرگ است. در قرآن- کریم، کیفر افرادی که بر زنان پاکدامن تهمت جنسی می‌زنند، بسیار سنگین بر شمرده شده است. خداوند متعال می‌فرماید: (وَ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ):<sup>[۱۴]</sup> و کسانی که به زنان پاکدامن تهمت زنا می‌زنند، سپس چهار شاهد نمی‌آورند، ایشان را هشتاد تازیانه بزنید و دیگر هرگز شهادت آنان را قبول نکنید و ایشان همان فاسقان هستند.

حکایت: سوء ظن، آیینۀ وارونه

هیزم شکن صبح از خواب بیدار شد و دید تبرش ناپدید شده... شک کرد که همسایه‌هاش آن را دزدیده باشد، برای همین تمام روز او را زیر نظر گرفت. متوجه شد همسایه‌هاش در دزدی مهارت دارد، مثل یک دزد راه می‌رود و مثل دزدی که میخواهد چیزی را پنهان کند پیچ می‌کند. آنقدر از شکش مطمئن شد که تصمیم گرفت به خانه برگردد، لباسش را عوض کند و نزد قاضی برود. اما همینکه وارد خانه شد تبرش را پیدا کرد. زنش آن را جابه جا کرده بود.

مرد از خانه بیرون رفت و دوباره همسایه را زیر نظر گرفت و دریافت که او مثل یک آدم شریف راه می‌رود، حرف می‌زند و رفتار می‌کند.<sup>[۱۵]</sup>

۱. تعصب جاهلی: تعصب نیز از دیگر مرزهای غیرت و بددلی است. از نظر اسلام هرگاه دستورات الهی به فردی اجازه کاری را داد؛ یعنی خداوند به انجام آن راضی است و نباید تعصبات قومی و بعضاً جاهلی دیگر غیرت را به جوش آورده و مشکلاتی را برای افراد به وجود آورد. به عنوان مثال هنگامی که عقد نکاح بین دختر و پسری خوانده می‌شود طبیعی است که آنها با یکدیگر محرمند و شایسته نیست برخی از موانع را برای ارتباط بر قرار کردن با ایشان فراهم کنند.

۲. بزرگنمایی: از دیگر شاخص‌هایی که به عنوان مرز بددلی و غیرت قرار می‌گیرد، بزرگنمایی تخلفات کوچک است. در این مواقع فرد آستانه تحمل کمتری دارد و با دیدن یا شنیدن یک موضوع کوچک آن را بسیار بزرگ‌تر از آن چیزی که هست تصور نموده و شدتی بسیار بزرگ‌تر از نوع تخلف را در نظر می‌گیرد. این عمل نیز شایسته نیست و غیرت نابجا و حساسیت بیش از حد است فلذا مورد نکوهش واقع شده است.

امام علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

«مبادا از خود غیرت نابجا نشان دهی؛ زیرا از این رهگذر، زن درست‌کار به نادرستی افتد، ولی درباره آنان محکم کاری کن، آنگاه اگر عیبی دیدی در مجازات کوچک و بزرگ درنگ مکن. مبادا زود مجازات کنی که در این صورت گناه را بزرگ‌تر جلوه داده‌ای و برای پوزش خواهی ارزشی قائل نشده‌ای».

۱. اختلالات روانی: این مسأله نیز یکی از مرزهای مهم بین بددلی و غیرتورزی است. این نوع بددلی منشاء درونی و روانی دارد و فرد به جهت عدم تعادل روانی نسبت به رفتار نزدیکانش واکنشی سخت‌گیرانه و به ظاهر غیرت ورزانه نشان می‌دهد. چنین رفتارهای می‌تواند ناشی از حسادت شدید، بدبینی حاد، توهم‌های بیمارگونه باشد؛ مانند اینکه فرد تصور می‌کند همه به او خیانت می‌کنند. این رفتارها نیز غیرت ورزی نیست، بلکه

سخت‌گیری‌های بی‌موردی است که اطرافیان را دچار مشکل می‌کند و زندگی را برای آنان تلخ می‌کند. پس چنین رفتارهایی هر چند به ظاهر غیرتمندانه به نظر می‌رسد، اما غیرت ورزی نابجا بوده و از نظر مبانی دینی مطرود است.<sup>[۱۶]</sup>

۲. غیرت در مقابل حلال در کنار اهمیت و توجه اسلام به صفت غیرت، در عین حال از برخی غیرت‌های بیجا نیز نهی شده است. یکی از موارد غیرت‌های نابجا غیرت نسبت به امور حلال است چنانچه امام صادق علیه السلام فرمود: «در حلال غیرتی نیست».<sup>[۱۷]</sup> گاهی کاسه‌های داغ‌تر از آتش و مؤمن‌تر و غیرتمندتر از خدا و پیامبر نیز یافت می‌شوند که دایره حلال خدا را تنگ، و حلال خدا را منع می‌کنند. در حالی که خداوند خود غیرتمند است، و بی دلیل چیزی را حلال نمی‌کند.

۳. غیرت بی دلیل: وقتی سخن از غیرتمداری به میان می‌آید، باید مراقب باشیم که در دام افراط و تفریط گرفتار نشویم. دین اسلام و عقل سلیم، چارچوبه غیرت مداری را مشخص کرده‌اند، به همین دلیل باید رفتارهایمان را با عقل و دین تطبیق دهیم؛ یکی دیگر از موارد غیرت که از نظر متون دینی مذموم است مسئله غیرت بیمورد است.

## اهمیت و جایگاه غیرت در جامعه اسلامی

معیار غیرت از رابطه موجود میان حساسیت مردان و حجاب زنان دانسته می‌شود؛ با این حال حتی اگر بدحجابی زنان از بی‌عفتی خود آنان باشد، باز هم این نشان از بی‌غیرتی مرد هم می‌باشد زیرا زن جزء، شرف مرد به حساب می‌آید.

یکی از مهمترین مسائلی که امروزه جوامع مختلف با آن رو به رو هستند حضور خانوادگی است که بعضی مردان با نوامیس‌شانکه ظاهر و پوشش نامناسبی دارند در مکانهای عمومی از جمله پارکها، تفریح گاهها، رستورانها و مکانهای متعدد دیگر، رفت و آمد میکنند که این مسأله نشان از بی‌غیرتی مردان آنها دارد والا هیچ مردی راضی نمیشود که ناموسش که ارزشمندترین عضو خانواده محسوب میشود مورد رؤیت دیگران قرار بگیرد.

### حکایت: غیرت ابراهیمی

حضرت ابراهیم علیه السلام به داشتن غیرت ناموسی معروف بود و در مورد حفظ عفت بسیار حساس بود. امام باقر علیه السلام فرمود: «روزی عزرائیل به صورت جوانی وارد خانه ابراهیم علیه السلام شد، ابراهیم نبی وقتی که آن جوان را دید او را شناخت، نزد او آمد و با تندی به او گفت: «با چه اجازهای وارد خانه من شده‌ای؟» جوانگفت: با اجازه خدا، آنگاه خود را معرفی کرد و گفت من از سوی خداوند مأمور شده‌ام تا مقام خلیل [دوست خالص خدا] را به تو بدهم. ابراهیم خوشحال شد».<sup>[۱۸]</sup> لذا پیامبر صل الله علیه و آله فرمود: «پدرم ابراهیم با غیرت بود و من با غیرتتر از اویم. خدا بینی مؤمنی را که غیرت ندارد، به خاک می‌مالد».<sup>[۱۹]</sup>

## آثار غیرت در زندگی انسان

۱. سلامتی نسل انسان: استاد مطهری؛ در مورد مهم‌ترین اثر غیرت در مردان می‌نویسد: «اگر حس غیرت هم در مرد نمی‌بود که محل بذر را همیشه حفاظت و پاسبانی کند، رابطه نسلها با

یکدیگر به کلی قطع می‌شد، هیچ پدری فرزند خود را نمی‌شناخت و هیچ فرزندی نمیدانست پدر خود کیست. قطع این رابطه، اساس اجتماعی بودن بشر را متزلزل می‌سازد».[۲۰]

۱. کامل شدن ایمان: از دیگر برکات غیرت، تکامل ایمان است؛ زیرا غیرت و نشانه‌ای از آن می‌باشد. امیرمؤمنان علی ۷ در اینباره می‌فرماید: «غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيمَانٌ؛ غیرت مرد [عین] ایمان است»؛<sup>[۲۱]</sup> یعنی برای کامل شدن ایمان، غیرت از عوامل ضروری است. آقا جمال خوانساری؛ در توضیح این حدیث می‌نویسد:

«غیرت داشتن مرد ایمان است. مراد به «غیرت» ننگ داشتن است از چیزی چند که سبب عیب و نقص باشد، در خود یا در اهل و متعلقان خود، و ظاهر است که این معنای ایمان است؛ یعنی ناشی از ایمان می‌شود، یا از جمله اجزای ایمان یا شرایط آن است، یا سبب کمال ایمان و قوت آن است».<sup>[۲۲]</sup>

و به قول شاعر:

ز ایمان بود غیرت ای مردِ دین      برو غیرت و رادمردی گزین

۱. دفاع از حقوق خانواده: از رهاوردهای غیرت دفاع از حقوق ناموس، خانواده و حمایت و حفاظت از آنان است که با شرف و مردانگی شخص مسلمان ارتباطی تنگاتنگ داشته و اسلام با تأکید از او خواسته که از ناموس خود و دیگران در برابر هرگونه گزند داخلی و خارجی به شدت دفاع کند و کم‌ترین مسامحه‌ای از خود بروز ندهد.<sup>[۲۳]</sup>

۲. احساس امنیت بانوان: غیرت مرد در همسرش تأثیر متقابل دارد. هر قدر او از ناموسش پاسداری کند، همسرش احساس محبت و امنیت بیشتری می‌کند و با تمام وجود در خدمت خانواده قرار می‌گیرد. زنان فطرتاً احساس نیاز به یک فرد حمایتگر را در خود دارند که از آنها در مقابل تعارضات و آسیبها محافظت کند و این مسئله برای آنها بسیار خوشایند است که این نیاز با غیرت مرد برآورده می‌شود.

۳. مدیریت صحیح خانواده: حساسیت در مقابل آسیبهایی که به جایگاه رفیع خانواده وارد می‌شود و دفاع از آن، در سیره خوبان عالم اهمیتی به سزا دارد. امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «إِنَّ الْمَرْءَ يَحْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَ عِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثِ خِلالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبْعِهِ ذَلِكَ مُعَاشَرَةً جَمِيلَةً وَ سَعَةً بِتَقْدِيرٍ وَ غَيْرَهُ بِتَحْصُنٍ؛<sup>[۲۴]</sup> مرد در خانه و نسبت به خانواده‌اش نیازمند رعایت سه روش است، هر چند در طبیعت او نباشد: خوشرفتاری، گشاده‌دستی به اندازه و غیرتی همراه با خویشتن‌داری».

حکایت: غیرت سلمان برای حفظ اسرار خانواده

سلمان با زنی ازدواج کرد، صبح بعد یکی از آشنایان از سلمان پرسید: «همسرت را چگونه یافتی؟» سلمان از سؤال نا بجاى او که افشای آن بر خلاف عفت بود، روی گرداند و گفت: خداوند پرده‌ها، دیوارها و درها را برای آن قرار داده، تا اسرار و مسائل خصوصی فاش نگردند، بنابراین نباید در امور خصوصی سؤال کرد. از پیامبر نقل شده است که آنکسی که اینگونه اسرار پوشیده را فاش میکند و به دیگری می‌گوید، او و شنونده همچون دو الاغ هستند که در جاده، همدیگر را برای آمیزش بو می‌کنند و همه‌می‌نمایند.<sup>[۲۵]</sup> به این ترتیب سلمان به ما آموخت که امور ناپیدایی که افشای آن موجب لکهدار شدن عفت عمومی میشود، نباید فاش گردد، بلکه باید در پشت پرده مخفی بماند.<sup>[۲۶]</sup>

## غیرت خداوند

خداوند غیور است و این تعبیر، تعبیر درستی است. پیامبر اکرم (http://tahoor.com/fa/Article/View/24731) دربارهٔ سعد بن عبادہ (http://tahoor.com/fa/Article/View/28158) فرمود: «ان سعدا لغيور و انا اغير من سعد و الله اغير مني؛ سعد آدم غیوری است و من از او غیورترم و خداوند از من غیورتر است».[۲۷] که در این حدیث شریف نکاتی قابل توجه است:

الف. غیرت سعد: سعد که غیور بود غیرت او غیرت ناموسی یعنی نسبت به همسر خودش بود. لذا آیهای نازل شد که اگر کسی شهادت بدهد که زنش روابط نامشروع داشته است، تنها شهادت او کافی نیست و شاهد دیگری باید بیاورد. سعد گفت یا رسول الله! اگر ما دیدیم زنا می‌کند برویم شاهد بیاوریم؟ من که تاب تحمل چنین چیزی را ندارم. پیامبر فرمود: حکم الهی دین است. در عین حال فرمود سعد آدم غیوری است. بعد فرمود: من از او غیورترم.

ب. غیرت پیامبر: غیرت پیامبر در مقابل نوامیسی است که خود پیغمبر دارد. نوامیسی پیغمبر همان احکام الهی است.

ج. غیرت خداوند: خدا که از پیغمبر غیورتر است در مقابل نوامیسی عالم است؛ نوامیسی عالم خلقت به طور کلی شامل شریعت هم میشود، یعنی قوانین و اصول خلقت که خدای متعال قرار داده باید محترم باشد. اگر انسان بر ضد نوامیسی که خدا قرار داده عمل کند هتک ناموس الهی کرده است. وقتی انسان هتک ناموس الهی بکند، چنانکه هر غیوری وقتی که ناموسش هتک میشود عکس العمل شدید نشان میدهد خدا هم عکس العمل شدید نشان میدهد.[۲۸]

در همین زمینه امام صادق علیه السلام میفرماید: «همانا خداوند تبارک و تعالی با غیرت است و مردان غیور را دوست دارد و از همینرو، زشتها را چه آشکار و چه پنهان، حرام کرده است».[۲۹] عرفا نیز تعبیر دیگری از غیور بودن خداوند دارند، به این صورت که میگویند:

«القلبُ حرمُ الله، فلا تسكن في حرم الله غير الله؛ قلب حرم خداوند است، در حرم خدا غیر خدا را جای ندهید». بنابراین غیور بودن خدا یعنی خداوند دوست ندارد در حرم امنشان که قلب بندگانش است، غیر او جای بگیرد. چون آمدن غیر خدا در قلب مؤمن، ورود نامحرم در حرم امن و اختصاصی خداوند محسوب شده و حضرت حق اجازه نمیدهد غیر خودش در حرم او وارد شود. لذا به ایشان غیور گفته شده است.

### حکایت: اجابت دعای ایوب علیه السلام به خاطر غیرت او

خداوند حضرت ایوب علیه السلام را به انواع بلاها مبتلا و امتحان کرد و او از همه آنها روسفید بیرون آمد. و سرانجام او را به بیماری سختی مبتلا نمود، او با صبر و مقاومت، همه رنجها را تحمل نمود و همواره شکر خدا میگفت، تا اینکه کار به جایی رسید که همسر باوفایش، برای تأمین معاش زندگی، گیسوان خود را به زنی فروخت، وقتی نزد ایوب بازگشت، ایوب پس از اطلاع، بسیار ناراحت شد، به طوری که هیچ کدام از گرفتاریهای شدید سابق او را اینگونه غمگین ننموده بود، با دلی شکسته و حالی زار به درگاه الهی عرض کرد: «خدایا مرا به انواع بلاها مبتلا نمودی، صبر کردم، و سپاس گزاری نمودم، ولی کار به جایی رسیده که همسرم گیسوانش را فروخته، این مصیبت قابل تحمل نیست چرا که غیرتم مانع از آن است که بتوانم تحمل کنم؛ خدایا لطفی کن. ناگاه ندایی شنید که



پای خود را بر زمین بکوب، که این چشمه آبی خنک برای نوشیدن و شستشو است، او چنین کرد، خود را در آن آب شستشو داد، در همان لحظه همه بلاها بر طرف شد، و ایوب غرق در نعمتهای سرشار الهی گردید». [۳۰]

## عوامل بی غیرتی

۱. خود کم بینی: مرحوم نراقی؛ در این زمینه میگوید:

«از جمله علل اصلی این صفت خبیثه، خود کم بینی و ضعف نفس است که نفس را یارای دفاع و حمایت از آنچه که شرع و عرف پشتیبانی و نگهبانی از آن را بر وی واجب و ضروری شمرده است ندارد و در این حالت است که قوه غضبیه که به عنوان پاسبان انسان به او ارزانی شده است از حالت عادی خود خارج شده، راه تفریط را می پیماید». [۳۱]

۱. آهنگهای مبتذل: یکی دیگر از علل بی غیرتی، مشغول شدن به ترانه‌ها و موسیقی‌های حرام و مبتذل می‌باشد که مرد را بی غیرت و زن را بی حیا می‌کند. چنانچه امام صادق علیه السلام در این زمینه میفرماید: «اگر در منزلی چهل روز نوای موسیقی پخش شود، شیطان وارد شده، چنان قدرت نمایی کند که غیرت و حفظ ناموس را از او بردارد، آنچنانکه حتی اگر به ناموس وی هم تجاوز شود، در نزد او اهمیتی ندارد». [۳۲]

۲. حرام خواری: تصرف نمودن در اموال دیگران که از آن به خوردن مال حرام یا همان لقمه حرام یاد میشود؛ خواه ناخواه آثاری را در پی دارد که میتوان آنها را به وضوح در منابع دینی و کلام بزرگان مشاهده کرد. یکی از آثار این پدیده شوم، بی غیرتی است چرا که لقمه حرام در انسان تولید هوس نامشروع میکند و هوس نامشروع به آنجایی می‌انجامد که انسان نسبت به ارزشهای مربوط به خود بیتفاوت [بی غیرت] می‌گردد.

## پرسش و پاسخ

۱. گاهی سؤال میشود که خانمهای ما پوشش خوبی در جلوی نامحرم ندارند و با آنها بگو و بخند میکنند و وقتی تذکر میدهیم: میگویند: که شما بد دل هستید. آیا این کار ما مصداق غیرت است یا خیر؟

پاسخ: این رفتار نسبت به همسرانی که پوشش مناسبی در مقابل نامحرم ندارند، کاملاً صحیح بوده و همان ویژگی غیرت است که ریشه در ایمان دارد. غیرت یکی از صفات و ملکات شریف نفس انسانی است و در واقع یک حساسیت برخاسته از مسئولیت است؛ و در روایات آمده که: «الرجلُ سیدُ أهله!» مرد سرپرست و مسئول خانواده است. لذا غیرت حسدرونی انسان و از جلوههای مردانگی است که خدا در مرد قرار داده است تا از خانواده‌هاش محافظت کند.

حتی در تاریخ است که چند اسیر را پیش پیامبر ۹ آوردند و پیامبر ۹ یکی از آنها را آزاد کرد. شخص آزاد شده گفت: چرا من را آزاد کردید؟ پیامبر ۹ فرمود: «فرشته‌ها خبرآوردند که در تو پنج ویژگی خوب هست و یکی از آنها این است که نسبت به ناموس خودت غیرت داری».

۲. چرا امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «غیرت زن کفر است، ولی غیرت مرد از ایمان است»؟

پاسخ: در ابتداء باید دانست، در فرهنگ اسلامی، «کفر» بر دو گونه است:

۱. کفر اعتقادی: به معنای انکار توحید، نبوت و معاد و آنچه به عنوان اصل دین و ضروری دین میباشد.

۲. کفر عملی: به معنای ترك دستورات خداوند و عدم التزام به احکام الهی است؛ مانند ترك نماز و یا ترك حج، در حالی که اعتقاد دارد این دستورات از سوی خداوند میباشد اما از نظر عملی پایبند به این احکام نیست.

از آنجا که زن به جهت «غیرت» خاص خودش نسبت به تعدد زوجات شوهرش حساسیت دارد و یکی از دستورات دینی را نادیده مگیرد؛ در حقیقت نوعی انکار حکم الهی در مقام عمل از سوی زن اتفاق مافتد. خلاصه کلام اینکه در اسلام تعدد زوجات برای مردان جایز دانسته شده و حتی در بعضی موارد لازم و ضروری تلقی گشته است و غیرت زن و مخالفت او با این حکم، طبق بیان امام علی علیه السلام کفر است. البته کفر عملی که به معنای مخالفت با انجام يك کار مشروع و یا جلوگیری از انجام آن است.

۳. آیا بد دلی برخی از مردان نسبت به همسر و فرزندان دختر خود، نوعی غیرت محسوب می شود؟

پاسخ: همانطور که غیرتورزی یکی از خصایص فطری مردان است. از نیازهای فطری و طبیعی زنان نیز این است که دوست دارند تحت غیرت و ولایت مرد باشند. زن اگر روح و شخصیت فطری خود را حفظ کرده باشد، غیرتمندی همسرش را دوست دارد و می‌خواهد همسرش نسبت به وضع او حساس باشد. اصولاً خانمها از مردی که نسبت به وضع لباس و پوشش آنها بی تفاوت باشد، ناراضی‌اند. اما این حساسیت مرد تا زمانی از جانب بانوان نوعی دوست داشتن، محبت و حمایت تلقی میگردد که در حد معقول باشد. اما اگر از راه اعتدال خارج شده و به سوی افراط و تفریط گرایش یابد، مذموم خواهد بود و به بدگمانی منفی تبدیل می‌شود؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت غیرت تا جایی است که از روی بدگمانی، همراه با سخت‌گیری و برای کسانی که خود اهل مراقبت‌اند، نباشد والا تفاوتی با بددلی نخواهد داشت.

[۱]. جامع السعادات: ج ۱، ص ۲۶۶.

[۲]. سوره توبه: آیه ۹۲.

[۳]. اشاره به حمله شخصی به نام «غامدی» به خانه یکی از اهل کتاب و ربودن زینت و خلخال زن او دارد در حالی که آن کتابی جزیه میداد و درآمان بود.

[۴]. نهج البلاغه: خطبه ۲۷.

[۵]. وسائل الشیعه: ج ۱۴، ص ۱۵۳.

[۶]. سفینه البحار: قمی، ج ۱۰، ص ۳۷۵.

[۷]. تحریرالوسیله: ج ۱، ص ۴۸۵.

[۸]. فقه الرضا: ص ۲۵۲.

- [۹] . اصول کافی: ج ۵، ص ۵۳۶.
- [۱۰] . کنز العمال: ح ۷۰۷۰.
- [۱۱] . کشکول شیخ بهایی: ص ۳۴۱.
- [۱۲] . بحارالانوار: ج ۲۲، ص ۸۸.
- [۱۳] . کیفر کردار، مقدم: ج ۲، ص ۱۱۶.
- [۱۴] . سورۃ نور: آیه ۴.
- [۱۵] . داستان دوستان، اشتهاردی: ج ۳ ص ۷۸.
- [۱۶] . فرهنگ بزرگ سخن، انوری: ج ۶، ص ۵۲۲۹.
- [۱۷] . اصول کافی: ج ۵، ص ۵۳۷.
- [۱۸] . بحارالانوار: ج ۱۲، ص ۵ و ۱۳.
- [۱۹] . بحارالأنوار: ج ۱۰۰، ص ۲۴۸، ح ۳۳.
- [۲۰] . مجموعه آثار: مرتضی مطهری، ج ۱۹، ص ۴۱۵.
- [۲۱] . نهج البلغه: حکمت ۱۲۴.
- [۲۲] . شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم: ۷ جلد، ج ۴، ص ۳۷۷.
- [۲۳] . وسائل الشیعة: ج ۲۸، ص ۱۴۹.
- [۲۴] . تحف العقول: ص ۳۲۲.
- [۲۵] . الارشاد، شیخ مفید: ص ۲۵۷.
- [۲۶] . الارشاد، شیخ مفید: ص ۲۵۷.
- [۲۷] . جامع السعادات: ج ۱، ص ۲۶۵.
- [۲۸] . آشنایی با قرآن، شهید مطهری: ص ۲۱۵ {با تلخیص و تصرف}.
- [۲۹] . اصول کافی: ج ۵، ص ۵۳۵ و ۵۳۶، ح ۱.
- [۳۰] . إقتباس از لئالی الاخبار: ج ۱، ص ۲۶۵.
- [۳۱] . جامع السعادات: ج ۱، ص ۳۰۱.
- [۳۲] . وسائل الشیعه: ج ۱۲، ص ۲۳۲.